

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی

حمید رمی^{۱***}

الهه شاکری^۲

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۸

چکیده:

از مهم‌ترین شاعران شیعی در جهان عرب، ادیب و عالم فاضل، مرحوم شریف رضی مشهور به سید رضی است و در نزد فارسی‌زبانان نیز محتشم کاشانی از شهرت بلامنازعی در این زمینه برخوردار است. پژوهش حاضر، باهدف بررسی وجوه تشابه و تفاوت زاویه نگاه این دو شاعر بزرگ در باب حادثه عظیم عاشورا و بررسی مضامین مشترک در مراثی آن‌ها در الفیه شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی صورت گرفته است. شریف رضی و محتشم، هر دو واقعه عاشورا را به‌مثابه‌ی قیامت کبرا می‌دانند و بایبانی البته متفاوت از یکدیگر درصدد هستند تا این مضمون را در شعر خود پیاده کنند. همچنین شریف رضی در بخشی از قصیده خود به انحراف امت پیامبر از دین اشاره می‌کند و محتشم نیز با صراحت بیشتری از جنایتکاران و ستمگران واقعه عاشورا به بدی نام می‌برد. این مقاله، حوادث عظیم و دردناک کربلا را از منظر این دو شعر بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: شریف رضی، محتشم کاشانی، واقعه کربلا، بررسی تطبیقی

^{۱***} دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی عربی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

مقدمه :

هرگاه حادثه‌ای تاریخی در بین ملتی رخ دهد و آنگاه در میان ملتی دیگر انعکاس یافته و آثار خود را در ادبیات آنان بر جای نهد، این حادثه و ادبیات مربوط به آن در حوزه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی خواهد گنجید. از رویدادهای مهم تاریخی جهان عرب، حادثه شهادت امام حسین علیه‌السلام در کربلاست. این حادثه اگرچه در محیطی عربی اتفاق افتاده و شخصیت‌های آن، شخصیت‌های عربی هستند ولی عواطف دیگر ملل از جمله ایرانیان را برانگیخته و بسیاری از شاعران ایرانی را واداشته که در بزرگداشت امام حسین و اهل‌بیت شهید و مظلوم ایشان، و نیز موضوع این واقعه تکان‌دهنده، شعر و مرثیه بسرایند. اشعار شریف رضی و محتشم کاشانی در شناساندن حادثه عظیم عاشورا به نسل‌های آینده سهم بسزایی داشته و دارد. محتشم به‌واسطه دوازده بند عاشورایی خود شهرت منحصربه‌فردی در عرصه مرثیه‌سرایی کسب کرد و شریف رضی با مرثیه جان‌گداز "کربلا لازلت کرب و بلا" به فاجعه‌ی دل‌خراش عاشورا و ظلم‌های روا شده بر خاندان پیامبر اشاره کرده است. از همین منظر در این مقاله بیشتر با زبان عاشورایی این دو شاعر گران‌قدر تشییع آشنا می‌شویم و صحنه‌های غم‌انگیز عاشورا را از نگاه شعری آن‌ها به تصویر می‌کشیم.

سؤالات اصلی :

نگاه شریف رضی و محتشم کاشانی به جریان عاشورا با توجه به شرایط عصر خود چگونه است؟ در مرثیه شریف رضی و محتشم چه مضامینی در باب روضه‌ی سیدالشهدا به‌طور مشترک ذکر شده است؟ در شعر شریف رضی و محتشم کاشانی

جنايات و ظلم‌های وارده بر اهل‌بیت چگونه و با چه زبانی بیان‌شده است؟ دلایل ماندگاری اشعار شریف رضی و محتشم کاشانی در باب عاشورا چیست؟

پیشینه‌ی پژوهش :

حادثه عظیم عاشورا در ادب فارسی و عربی پیشینه‌ای پر بار و قابل‌بررسی دارد، تاکنون هم در باب اشعار عاشورایی کتاب‌هایی همچون: امام حسین در شعر معاصر عرب از خانم دکتر انسیه خزعلی ۱۳۸۳ و کتاب عاشورا در آئینه‌ی شعر معاصر از خانم دکتر نرگس انصاری ۱۳۹۰ و هم در باب تحقیقات عاشورایی کتاب‌هایی همچون: آئینه داران آفتاب و آینه در کربلاست از محقق توانای عاشورایی دکتر محمدرضا سنگری و کتاب مقتل جامع سیدالشهدا (۲ جلد) از حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی پیشوایی ۱۳۸۹، به چاپ رسیده است.

در مورد محتشم کاشانی و شریف رضی، اینکه تحقیق یا مقاله یا کتابی که به‌طور جامع و کامل تمام ابعاد این دو شعر را بررسی کند وجود ندارد اما چند مقاله در خصوص مضامین مرآتی ایشان وجود دارد مثل: مقایسه مرثیه امام حسین در دیوان شریف رضی و محتشم کاشانی از یوسف لطف ۱۳۸۸ یا شخصیت نمادین امام حسین در شعر شریف رضی از صابره سیاوشی و گلغام واعظی ۱۳۹۲ و جستاری بر مرثیه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی از دکتر علیرضا محمدرضایی ۱۳۸۹.

روش پژوهش :

در این مقاله از مکتب آمریکایی - یکی از مکاتب ادبی - استفاده شده است. مکتب آمریکایی که رشد آن مرهون فرانسوی‌های تندرو است به دنبال ارتباط تاریخی نیست بلکه تاریخ تکیه‌گاه آن است. یعنی این مکتب در حوزه تطبیق با شرط ارتباط تاریخی مخالف است. همچنین از نظر این مکتب محقق نباید به دنبال شرط تأثیر و تأثر بگردد به عبارتی این میدان، میدان تشخیص زیبایی است نه پژوهش‌های علمی. با توجه به اینکه ارتباط تاریخی بین شریف رضی و محتشم کاشانی وجود ندارد در این مقاله از مکتب آمریکایی استفاده شده است و وجوه تشابه و تفاوت شعر این دو شاعر از نظر شرایط و موقعیت بیان شده و سپس با دقت و جزئی‌نگری به دنبال اشتراکات مضامین شریف رضی و محتشم کاشانی در خصوص واقعه‌ی عظیم کربلا در دو شعر «کربلا لازلت...» و «باز این چه شورش است...» برآمدیم.

زندگی و جایگاه شعری محتشم کاشانی :

شمس الشعرا کمال‌الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد از شعرای مدیحه سرای ایران در قرن ۱۰ هجری می‌باشد. او در خانواده‌ای متمکن به دنیا آمد. محتشم ابتدا به بزازی که شغل پدرش بوده است اشتغال داشته زیرا عنوان خواجه در آن روزگار عادتاً برای بازرگانان بکاربرده می‌شده که نشان از اشتغال او به کار درچنین پیشه‌ای می‌دهد که ظاهراً همین بزازی و داشتن کارگاه شعربافی است. (صفا، ۱۳۶۹، ۷۹۲) در فن شعر، شاگرد مولانا صدقی استرآبادی بود. او با شعرای عصر خویش از جمله وحشی بافقی رابطه داشته و با آنان مکاتبه کرده است.

محتشم در ابتدا قصیده سرایی مداح بود و پادشاهان و بزرگانی مانند شاه تهماسب را مدح می‌گفت ولی بعد به واسطه تمایلات دینی خودش و شور تشیع دربار شاهان صفوی به سرودن مرثیه‌های اهل بیت پرداخت و در این نوع شعر مشهور شد به طوری که می‌توان او را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به وجود آورد. محمدرضا دایی جواد در کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌نویسد: «محتشم شاعری بزرگوار و سخن‌سنجی کامل عیارست در سرودن انواع شعر ماهر، و به‌ویژه در فن قصیده و غزل و تاریخ، یگانه عصر خود بوده است و این مدعا را قصاید غرّاً و قطعات شیوای تمام تاریخ و غزلیات دلنشین تواریخ مختلف او مدّال می‌سازد.»

جابر عناصری از اساتید ممتاز دانشگاه تهران درباره محتشم کاشانی می‌گوید: «محتشم کاشانی پدر مرثیه‌سرایی عاشورایی است. این شاعر فرهیخته بهترین منظومه نمایشی اهل بیت را به یادگار گذاشت و با زبان شعر، فرهنگ عاشورا را در بین مردم به‌ویژه مداحان رواج داد.» او می‌افزاید: «شهرت و آوازه بی‌نظیر محتشم کاشانی در ادبیات موجب شد تا شاعران نام‌آوری به پیروی از سبک او اهتمام ورزند، اما تاکنون ادبیات ایران در مرثیه‌سرایی، شاعری همچون محتشم به خود ندیده است.»

عباس مشفق کاشانی بر این عقیده است که: «پاکی، اعتقاد و استواری و محبت محتشم کاشانی به اهل بیت باعث شد که برخی پادشاهان صفوی از جمله شاه طهماسب به اشعار مذهبی روی آورند.»

محتشم در ربیع الاول ۹۹۶ هجری در کاشان درگذشت و آرامگاه وی در این شهر زیارتگاه عموم مردم است. مجموعه آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از وفات او، توسط یکی از شاگردانش در هفت کتاب جمع شد که عبارت‌اند از: رساله‌ی جلالیه و

رساله‌ی نقل عشاق که نظم و نثر می‌باشند، دیوان غزلیات دوران کودکی محتشم که به صباپیه موسوم است، دیوان غزلیات دوران جوانی او که به شبابیه مشهور است، اشعار دوران پیری معروف به شبیبیه، دوازده بند مرثیه‌ی برادرش عبدالغنی، یازده بند مرثیه شاه تهماسب، دیوان قصاید و قطعات و مثنویات و اثر ارزشمند او که **دوازده بند مرثیه** برای واقعه‌ی عاشورا است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

زندگی و جایگاه شعری شریف رضی:

محمدبن الحسین معروف به الشریف الرضی، که در سال ۳۵۹ ه. ق در بغداد متولد شد نسبش از جانب پدر و مادر به حسین بن علی (ع) میرسد. او از خاندانی برخاست که همه از بزرگان دین و عالمان و عابدان و زاهدان و پرهیزکاران روزگار بودند. او با برادر بزرگش سید مرتضی از کودکی به فراگیری علوم و فنون متداول عصر پرداخت. علم نحو و دستور زبان عربی را نزد «سیرافی»، علم فقه و احکام دینی را نزد «شیخ مفید»، علم حدیث را نزد «محمد بن عمران مرزبانی» و «ابوموسی تلکبری» و ابوابی از فقه را نزد «محمد بن خوارزمی» آموخت و در این علوم، براعت یافت.

شعر رضی باعث شگفتی ناقدان و ادیبان قدیم و جدید شده و به خاطر تازگی و زیبایی اش توجه بسیاری از آنان را به خود جلب کرده است. قدما درباره او گفته‌اند: تا کسی هاشمیات کمیت، خمریات ابونواس، زهدیات ابوالعتاهیه، تشبیهات ابن معتر، مدایح بحتری و حجازیات شریف رضی را حفظ نکند شایسته‌ی عنوان ادیب نیست (فاخوری، ۱۳۸۰: ۶۶۸). برخی صاحب نظران او را بزرگترین غزل سرای جهان عرب دانسته‌اند (حلاوی، ۱۹۹۹م: ۵۱). ثعالبی بدلیل روان و عمیق بودن شعرش او را بزرگترین شاعر قریش معرفی می‌کند (ثعالبی، بی‌تا: ۱۳۱) و سرانجام باید گفت: «لفظ شریف رضی، لفظی جذاب است، در لغت او متانت و روانی

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۳۳

باهم جمع است. گستره ی دیوان این شاعر، بسیار زیاد و فرورفتن در آن، مانند شناکردن در دریاست. « (شیبانی، ۱۴۱۵: ۳۱۳) .

اما اینکه چرا سید رضی بیشتر به عنوان یک شاعر و ادیب مطرح شد تا یک فقیه، می تواند به چند دلیل باشد:

اول: مناصب اجتماعی و دولتی اشتغالاتی را برای او به وجود آورده بود، لذا فرصت کمتری برای پرداختن به کارهای علمی و تحقیقی و تألیف داشته است. دوم: او در سن ۴۷ سالگی از دنیا رفته که برای مطرح شدن جنبه های علمی مختلف یک عالم، عمر کمی است. سوم: در تمامی تألیفات او قدرت قلم و الفاظ زیبا و نثر عالی هویداست، بطوری که هر قصیده یا غزلی که سروده به سرعت نُقل محافل و نُقل مجالس شده است. چهارم: در زمان حیات سید، علمای بزرگ علم ادبیات عرب می زیسته اند. فضای ادبی شهر بغداد با حضور این بزرگان رونق خاصی داشته است. پنجم: به گفته محدث نوری او نظر به زهدی که داشته و از خودنمایی و شهرت پرستی سخت برکنار بوده است، لذا در اندیشه نسخه برداری از تألیفاتش برنیامده است (دوانی، چاپ دوم: ۱۱۱) .

ولی باید اذعان کنیم که او در علم فقه نیز عالمی فاضل بوده که شاگردی فقیه و سرآمد مثل شیخ مفید شاهد بر این مدعاست. آیه الله استادی در کتاب «من اعلام الشیعه» با بیان ۶ دلیل در صدد اثبات فقاقت این عالم برآمده است. (استادی، ۱۳۸۳: ۸۰)

سیدرضی شخصیتی بسیار دانش دوست و شاگرد پرور بود. در زمان کوتاه عمر خود علاوه بر خدمات علمی، مدرسه ای به نام دارالعلم برای تربیت دانش پژوهان و طلاب در سطح عالی تاسیس نمود که تا آن زمان بی سابقه بود. او در دوران حیات خویش مناصب بزرگ و پرمسئولیتی نظیر نقابت سادات علوی و نظارت بر دیوان مظالم و امارت حاج را از سوی امرای آل بویه و تصویب خلیفه عباسی عهده دار بود. سید رضی

در حقیقت مرد دین و سیاست و علم و ادب بود و آثار بجای مانده از او نیز گواه بر همین ابعاد شخصیت اوست.

تألیفات سیدرضی عبارت‌اند از: خصائص الائمة که در اوایل جوانی تألیف کرده است، مجازات الآثار النبویة، مجازات القرآن، حقائق التأویل و دقائق التنزیل که در تفسیر قرآن مجید نوشته است، و بدون شک گرانبهارترین و ماندگارترین اثر سیدرضی که آن را در سال ۴۰۰ هجری، یعنی شش سال پیش از وفات خود با استفاده از دانش سرشار و گزینش نیکوی ادبی خود تألیف فرموده است نهج البلاغه می‌باشد. سرانجام شریف رضی در سال ۴۰۶ ق در سن ۴۷ سالگی از دنیا رحلت فرمود. بسیاری مورخین از نقل جسد او به کربلا بعد از دفن او در کرخ گفته‌اند (شیر، ۱۴۰۹ق: ۲۲۷). سیدمحمد مهدی بحر العلوم در کتاب مدینه الحسین روایت می‌کند که قبر شریف رضی در بالای سر امام حسین در زاویه غربی حرم در جوار جدش ابراهیم مجاب می‌باشد. همچنین سیدحسن صدر در کتاب نزهة الحرمین فی عمارة المشهدین می‌گوید که قبر شریف رضی پشت سر اباعبدالله در فاصله ی شش متری قرار دارد.

شرایط پیرامون محتشم کاشانی و شریف رضی :

عصر زندگانی محتشم در بحبوحه ی رواج تعصبات مذهبی ایران بوده است. همان گونه که نوشته اند: « صفویان شیعیانی متعصب بودند از این رو شعرا را به سرودن اشعاری با گرایش های مذهبی تشویق می‌کردند. » (طه ندا، ۱۳۸۳: ۲۲۳). به خاطر مقتضیاتی که در عصر او وجود داشته است، دوازده بند مرثیه ی او دیگر آثار گرانبهایش را تحت تأثیر قرار داده است و او را صرفاً شاعری مرثیه سرا شناسانده است (به‌درون، چاپ دوم: ۱۱). اما عصر شریف رضی از چند جهت قابل‌بررسی است: از نظر سیاسی این دوره، دوره آشوب و اغتشاش در بغداد بود که شریف رضی هم از اثرات آن برکنار نماند (فاخوری، ۱۳۸۹: ۴۹۱). چون پدرش را زندانی و املاکش را مصادره کردند این دوره به نام «عصر

دویلات» نیز معروف شد چون قدرت سیاسی عباسیان تقریباً به چند بخش تقسیم شد که هر یک دولتهای کوچکی بودند که در حفظ حاکمیت خود همیشه با یکدیگر در ستیز بودند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از: عباسیان در عراق، فاطمیان در شمال آفریقا، آل بویه در عراق و ایران، حمدانیان در حلب و موصل، امویان در اندلس و برخی از قبایل عرب نیز بر اطراف عراق و شام سلطه یافته بودند (ابن جوزی، ۱۹۳۹: ۶۹). اما از نظر فکری به جهت نضج افکار و اعتلاء عقول، یکی از اعصار درخشان عربی است (فاخوری، ۱۳۸۹: ۴۳۲). چون با قدرت یافتن آل بویه و دیلمیان شرایط برای ارائه افکار اندیشمندان بزرگ شیعه و سنی و زیدی و اسماعیلی و حتی دانشمندان سایر ادیان فراهم شد. از نظر ادبی نیز عصر شریف رضی عصر شکوفایی در مشرق و مغرب بود که البته این شکوفایی به تقلید گرایش شدیدی داشت و موجب جمود قریح شد (همان: ۴۳۳).

به دلیل اینکه منظور مقاله ی ما، بحث درباره واقعه عاشورا از نگاه این دو شاعر است و می‌خواهیم دو شعری که در این زمینه سروده اند را بررسی کنیم برای بیان تشابه‌ها و تفاوت‌ها نیز بهتر است از همین منظر، بحث کنیم. یعنی ببینیم شرایط عصر آن‌ها برای سرودن اشعار اهل‌بیت چگونه بوده و حکومت و مردم جامعه، در قبال این اشعار چه عکس‌العملی داشتند یا می‌توانستند داشته باشند.

تشابه شرایط دو شاعر :

شبهاتی که می‌توان از بررسی هر دو شرایط به آن رسید این است که هر دو شاعر با خیال راحت و بدون دغدغه و ترس از اینکه شاید با شعر آن‌ها مقابله شود و اقداماتی علیه آن‌ها صورت بگیرد به سرودن شعر برای اهل‌بیت پرداختند. هرچند القادر - یکی از خلیفه‌های عباسی در عصر رضی- او را به دوستی با علویان متهم کرد اما خلفای عباسی به خاطر حفظ حکومت خود ناچار بودند که با شعرای شیعه و دوستداران

اهلبیت مدارا کنند (زکی مبارک، ۱۹۴۰: ۱۲۸) و به‌طورکلی همانگونه که گفته شد فضای جامعه فضایی شده بود که برای ارائه تمام افکار، شرایط فراهم بود.

تفاوت شرایط دو شاعر :

اگر بخواهیم به بررسی تفاوت شریف رضی و محتشم کاشانی بپردازیم شاید مهم‌ترین و چشم‌گیرترین تفاوت، شرایط حکومتی و تأثیر آن بر شاعر می‌باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در دوره آشوب سیاسی و اغتشاش در بغداد، پدر شریف رضی توسط حکومت به زندان رفت و املاکش نیز مصادره شد. این حادثه بر شاعر جوان که احساسی لطیف و قلبی رقیق داشت و بشدت به پدر عشق می‌ورزید و به او وابسته بود گران آمد که شرح این ماجرا را نیز در ابیاتی لطیف و پر از احساس آورد. در مقابل به محتشم کاشانی هیچ زخمی از حکومت - که رأس جامعه در هر زمانی است - نرسیده بود و هیچ‌گونه فشاری بر او وارد نشده بود بلکه بالعکس با توجه به وجود تعصبات دینی و نیز سروده های مذهبی محتشم، او بشدت مورد تشویق و احترام حکومت بود. اما این تفاوت و تأثیر آن بر شعر عاشورایی شریف رضی و محتشم را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد :

از نگاه اول می‌توان گفت محتشم کاشانی با فراغ بال بهتر و بیشتری توانسته است به بررسی واقعه عاشورا بپردازد و آن را در ابیات شعر خود پیاده کند. چون او تکیه گاه محکم حکومت صفوی را پشت سر خود احساس می‌کند و با آرامش خاطر به سرودن شعر خود می‌پردازد و تمرکز لازم را برای هرچه زیباتر کردن اثر خود دارد. این در حالی است که رضی، زخم خورده حکومت و دنیاست. در مرثیاتی او که برای خویشان و دوستان سروده است از رنج ها و شکنجه های روزگار یاد می‌کند. چنان از روزگار به بدی یاد می‌کند که گویی جز تلخی مرگ، حاصلی ندارد (مارون عبود، ۱۹۴۶: ۲۸۴).

اما زاویه و نگاه دوم این است که شاید شاعر بایست درزمینه‌ها و مضامین مختلف شعری مثل وصف طبیعت، مدح، عتاب، زهد و سایر اغراض، تمرکز داشته باشد و با آرامش دست به قلم شود اما برای سرودن از روضه های اهل بیت بخصوص واقعه کربلا انسانی که رنج و سختی کشیده است بهتر این مصائب را درک می کند و با آنها ارتباط برقرار می کند. فراق هفت ساله ی رضی از پدر و سختی ها و رنج های روزگار او سببی است تا بتواند داغ های کربلا را بیشتر لمس کند.

مختصری در باب دوازده بند محتشم کاشانی :

بهتر است پیش از اینکه وارد در فضای تطبیق دو اثر ماندگار محتشم و شریف رضی بشویم، مختصری درباره این دو شعر توضیحاتی را بیان کنیم تا بهتر بتوان در حیطه ی آنها وارد شد.

ترکیب بند محتشم از نمونه های برجسته ی اشعار تعزیت و مرثیت به شمار می رود. این مرثیه نام محتشم را در تمام بلاد و ممالک اسلامی به اعلی درجه ی شهرت رسانیده است. علت سرودن این ترکیب بند در دیوان محتشم چنین آمده است :

وقتی محتشم در مرثیه برادرش عبدالغنی که در سفر مکه فوت کرده بود نوحه گری کرد در عالم رویا امیرالمومنین را دید. حضرت به او فرمود: چرا در مصیبت برادرت مرثیه میگویی و برای فرزندم حسین مرثیه نمیگویی، عرض کرد یا علی مصیبت حضرت امام حسین خارج از حد بوده و من نمی دانم از کدام مصائب او شروع کنم آن وقت حضرت امیرالمومنین فرمود: بگو "باز این چه شورش است که در خلق عالم است" محتشم از خواب بیدار شد و بقیه را گفت تا رسید به این مصراع : هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال و در مصرع بعد متحیر ماند که چه بگوید که شایسته مقام حضرت ربوبی باشد، باز مدد به او رسید و در خواب حضرت ولی عصر را دید و به او

فرمود: بگو "کو در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال" پس بیدار شده و آن بند را به پایان رساند. این مرثیه آنقدر مقبول واقع شده است که مورد متابعت همه شاعران واقع گردید تا آنجا که سید بحرالعلوم، دوازده بندی عربی به نام الإثنا عشریات سروده و مضامین دوازده بند محتشم را در آن گنجانده است. مختصری در باب

قصیده "کربلا" شریف رضی:

سوگنامه هایی که رضی درباره واقعه ی جانسوز کربلا سروده مجموعاً پنج سوگنامه تقریباً طولانی است که با سوز و گداز خاصی همراه است. تاریخ دقیق سرودن قصیده "کربلا لازلت کرب و بلا" که به نسبت قصاید چهارگانه کوتاه تر است مشخص نیست اما بعضی ها معتقدند که این قصیده آخرین شعر او بوده است (دیوان رضی، ۷۱۲: ۱/۱۳۵، ۲/۲۸۶).

اگرچه پنج قصیده در دیوان بزرگ شریف رضی بسیار اندک به حساب می آید ولی می توان گفت که رضی در قصاید اندک خود، واقعاً حق مطلب را ادا کرده و دقیقاً به بیان مظلومیت های اهل بیت و خاندان ضجر کشیده سیدالشهدا (ع) پرداخته و با نگاه ادیبانه ظرایف واقعه ی جان سوز کربلا را بیان کرده و چهره زشت ستمگران بنی امیه را برملا ساخته و برای معرفی آنها به نسلهای بعدی تلاش مبارکی را انجام داده است و در ضمن قصاید و مرثیه هایش برای حفظ نام مکان های جغرافیایی مراقد مطهره ی ائمه ی اطهار از هرگونه تحریف، به ذکر آنها می پردازد که این هوشیاری و تیزبینی او واقعاً قابل تحسین و تمجید است. قصاید پنج گانه ی عاشورایی او به ویژه قصیده ی کربلا شیوع بسیاری در ممالک شیعه پیدا کرد و تا همین امروز هم از آن در مجالس اهل بیت استفاده می شود و مورد توجه مادحین است و شعرا نیز از مضامین شریف رضی در این قصاید بسیار بهره می برند و بسیاری به تبیین این قصاید می پردازند، بعنوان نمونه شاعر آیینی عصرمان محمود شاهرخی، قصیده ی کربلا رضی را بصورت ترجمه شعری

درآورده که در آن دقیقاً از همان وزن و قافیه سیدرضی استفاده کرده است که مطلع آن چنین است :

کربلا ای جای اندوه و بلا وه چها دید از تو آل مصطفی

گشته بر خاک تو از افتادگان سیل خون جاری و اشک از دیده ها

بررسی تطبیقی قصیده کربلا از شریف رضی و دوازده بند محتشم کاشانی:

یک - واقعه عاشورا به مثابه ی قیامت کبری :

نکته‌ای که هم شریف رضی و هم محتشم به آن اشاره می‌کنند این است که جریان کربلا و واقعه ی عظیم و دردناک عاشورا را تعبیر به روز قیامت می‌کنند و با این تعبیر، عظمت آن را به مخاطبان نشان می‌دهند. اما طرز بیان این دوشاعر قابل بررسی است: محتشم ابتدا در چند بیت نشانه هایی از قیامت را ذکر می‌کند. اشاره به دمیدن شیپور در محشر می‌کند:

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۳)

یا در بیت دیگر اشاره به طلوع خورشید از مغرب در زمان برپایی قیامت می‌کند:

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است

(همان)

در بیت های دیگر نیز نشانه هایی همچون آشفته‌گی جهان هستی و آوارگی خلائق در هنگام قیامت را بیان می‌دارد و بعد از گفتن نشانه های قیامت به‌صراحت اعلام می‌کند که حادثه ی کربلا، قیامت عظمای دنیاست:

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است

(همان)

اما گویا شریف رضی با قاطعیت بیشتری این نکته را بیان می‌کند و به نوعی با حالت گلایه و شکوه بدنبال جواب سوالی است که مطرح می‌کند. او در قسمتی از شعر خود می‌خواهد بگوید که: اصلاً باید بعد از آن همه فاجعه و جسارت و هتک حرمت و مصیبتی که بر اهل بیت پیامبر رسید، زمین و زمان به هم می‌ریخت و قیامت عظمی برپا می‌شد:

کیف لم يستعجل الله لهم بانقلاب الأرض أو رجم السماء

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۶)

ترجمه: چگونه خدا به دشمنان امان داد و با دگرگونی زمین و نازل کردن عذاب، انتقام اهل بیت را نگرفت؟

دو - انحراف اسلام و ریشه یابی ظلم :

شریف رضی و محتشم به دنبال تأکید بر این نکته اند که همان امت پیامبر بودند که با نوه ی پیامبر چنین کردند درحالی که از فوت پیامبر کمتر از پنجاه سال گذشته بود اما آنقدر اسلام نبوی دستخوش انحراف شد که اهل بیت همان پیامبری که پیرو او بودند را خارجی (خارج از دین) خطاب کردند و آن بلایا و مصائب را بر آنها تحمیل داشتند.

محتشم در ضمن این نکته، در بیت خود به طور غیرمستقیم به بی شرمی این گروه نیز اشاره می‌کند:

باینکه سر زد این عمل از امت نبی روح الامین ز روح نبی گشت شرمسار

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۵)

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۴۱

اما رضی در دوبیت از شعر خود به زیبایی به بررسی انحراف اسلام نبوی و قدرشناسی امت پیامبر می‌پردازد:

غارسٌ لم یأل فی الغرس لهم فأذاقوا أهله مرَّ الجننا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۶)

می‌گوید پیامبر باغبانی بود که به نحو احسن میوه ی اسلام را کاشت و بارور کرد اما اهل بیت او تلخ ترین ثمره این باغ را چشیدند. این عالم و ادیب شیعی چقدر زیبا انحراف اسلام را به تصویر می‌کشد. در بیت دیگر نیز از نکته ی قابل توجه و ریشه یاب دیگری پرده برمی‌دارد :

حَمَلُوا رَأْساً يُصَلُّونَ عَلٰی جَدِّهِ الْأَكْرَمِ طَوْعاً وَ إِبَا

(همان)

می‌گوید: سری را بر نیزه حمل کردند که چه با میل و چه از سر اجبار بر جد او سلام و صلوات می‌فرستادند.

سید در اینجا می‌خواهد بگوید که اگرچه اینها امت پیامبر بودند و اگرچه دین پیامبر منحرف شد تا جایی که بر اهل بیت او چنین جسارتی کردند اما این نکته نیز قابل توجه است و نباید از آن غفلت شود که بسیاری از همین امت رسول الله از همان ابتدای اسلام گمراه بودند و با زور و اجبار اسلام را پذیرفتند و همچنین در بیت دیگری اشاره می‌کند به این نکته که بسیاری از همین امت، به واسطه ی جنگ هایی که در صدر اسلام اتفاق افتاده بود و بسیاری از خویشان کافر و مشرک آنها با دستان یاران پیامبر به ویژه امیرالمومنین کشته شده بودند کینه هایی از پیامبر و امیرالمومنین در دل پیدا کرده بودند که همواره در صدد انتقام از آنها بودند و تمام این انحرافات، مقدمه ای بود تا انتقام خود را در کربلا بگیرند:

أدرک الکفر بهم ثاراته و أدیل الغی منهم فاشتفی

(همان)

ترجمه مفهومی: کفر، انتقامش را از اهل بیت گرفت و ظلم جایگزین آل پیامبر شد و دل دشمنان خنک شد.

سه - خطاب قراردادادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

در هر دو شعر می بینیم که شاعر، پس از بیان بخشی از صحبت های خود در قالب شعر، سمت و سوی شعر خود را به رسول الله مایل می کند و ایشان را مورد خطاب قرار می دهد.

شریف رضی به نوعی می خواهد از زبان خود برای رسول خدا، روضه ی امام حسین علیه السلام را بخواند و چگونگی ظلم و جنایتی را که بر اهل بیت پیامبر رسیده است برای ایشان بازگو کند :

یارسول الله لو عاینتهم و هم ما بین قتل و سبیا
لرأت عیناک منهم منظرأ للوحشا شجواً و للعیین قذی

(همان)

ترجمه مفهومی : ای پیامبر! اگر اهل بیت خود را می دیدی که کشته و اسیر شدند، این منظره همچون استخوانی در گلو و خاری در چشمت می شد.

اما محتشم خطاب شعر به رسول الله را از زبان حضرت زینب کبری مطرح می کند و این همان تفاوت این خطاب در شعر شریف رضی و محتشم است. محتشم در شعر خود، آن صحنه ای را به تصویر می کشد که حضرت زینب پس از مشاهده جسم بی سر

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۴۳

و پاره پاره برادر، رو بسوی مدینه می‌کند و رسول خدا و مادرش زهرا را مورد خطاب قرار می‌دهد. در واقع این روایت شعری محتشم کاملاً مطابق با مقاتل سیدالشهداست:

پس با زبان پر گله آن بضعة الرسول رو بر مدینه کرد که یا ایها الرسول
این کشته ی فتاده به هامون حسین توست این صید دست و پا زده در خون حسین توست.

چهار - دادخواهی و تظلم اهل بیت :

بحث دادخواهی اهل بیت از روز عاشورا یا همان انتقام، در شعر این دو شاعر بزرگ شیعه و ادبیات آیینی از دو جنبه قابل بررسی می‌باشد:

یک - چهار - از طرفی بحث انتقام ظلم‌هایی که به اهل بیت روا شده همواره برای زمان قیام امام عصر (عج) مطرح شده و امام عصر بعنوان منتقم خون اباعبدالله معرفی شده است که شریف رضی در شعر خود وقتی نام ائمه را می‌آورد برای حضرت مهدی چنین می‌گوید:

و علی و أبوه و ابنه و الذی ينتظر القوم غدا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۷)

دو - چهار - دادخواهی دیگر اهل بیت در روز قیامت و در صحرای محشر و در محضر حضرت باری تعالی می‌باشد که شریف رضی این صحنه را با شکایت رسول خدا از امت ستمگر به درگاه الهی به تصویر می‌کشد:

یوم یغدو وجهه عن معشرٍ معرضاً ممتنعاً عند اللّٰقا
شاکياً منهم الی الله وَ هَلْ یفلح الجیل الذی منهم شکا

(همان، ص ۴۷)

ترجمه مفهومی : در قیامت، پیامبر از گروهی رویگردان می‌شود و از آن‌ها نزد خدا شکایت می‌کند. آیا رستگار می‌شوند گروهی که پیامبر از آن‌ها شکایت می‌کند؟
اما محتشم کاشانی این دوجنبه را به‌طور کلی در تظلم و دادخواهی اهل بیت آورده است و چنین می‌سراید :

آل نبی چو دست تظلم برآورند ارکان عرش را به تلاطم درآورند

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۴)

از این بیت هم می‌شود جنبه اول یعنی قیام امام عصر را برداشت کرد هم می‌توان روز قیامت را به تصوّر کشید. در جای دیگر نیز در همین شعر محتشم می‌گوید :
دست عتاب حق به در آید ز آستین چون اهل بیت دست در اهل ستم زنند

پنج - شکایت از روزگار:

نکته ی دیگری که در باب تطبیق دو شعر شریف رضی و محتشم مورد توجه قرار می‌گیرد این است که هر دو شاعر به خاطر ظلم و ستم وارد شده بر اهل بیت، روزگار را مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهند. شریف رضی در ضمن خطابی که وجود مبارک اباعبدالله دارد، شکایت از روزگار و سرزنش آن را مطرح می‌کند و بعد از آن نیز به نقش هدایتگری امام حسین نیز اشاره می‌کند تا به روزگار یادآوری کند و او را عتاب کند که چه گوهر یگانه ای را از دست داده است :

یا قتیلاً قَوْضَ الدَّهْرِ به عمَد الدّین و اعلام الهدی

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

ترجمه: ای کشته ای که روزگار، به واسطه ی کشتن تو، ستون های دین و پرچم‌های هدایت را از بین برد.

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۴۵

محتشم نیز در بند آخر دوازده بندی خود خطاب خود را سوی روزگار متمایل می‌کند و اینچنین عتاب و سرزنش خود از روزگار را آغاز می‌کند :

ای چرخ غافلی که چه بیداد کرده‌ای وز کین چها در این ستم آباد کرده‌ای
(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۷)

نکته بسیار مهم و قابل توجه :

نکته‌ای که بسیار قابل اهمیت است و یکی از تفکراتی بوده است که قبل از جریان عاشورا توسط معاویه در جامعه رواج یافته و بعد از عاشورا هم بسیار مورد تأکید یزید و ابن زیاد و یاران آن‌ها بود تا به وسیله‌ی این تفکر بتوانند جنایاتی را که مرتکب شده اند را توجیه کنند این بود که دست به دامان تقدیر الهی و به اصطلاح، دست روزگار شدند. آنچنان که ابن زیاد و یزید لعنة الله علیهما خطاب به حضرت زینب گفتند: دیدی خدا با شما چه کرد؟ یا می‌گفتند : تقدیر الهی بوده است که شما به این روز گرفتار شده اید.

این نکته را بسیار زیبا و بجا محتشم کاشانی در شعر خود بیان می‌کند تا مخاطب متوجه باشد که شکایت از روزگار به معنای بی گناه شمردن دشمنان و جلوه ندادن جنایات آن‌ها نیست. محتشم بلافاصله پس از بیان بیت اول، در بیت دوم در عین اینکه از روزگار شکایت می‌کند به بیان دوباره ی ستم دشمن می‌پردازد و می‌گوید:

بر طعنت این بس است که بر عترت رسول بیداد کرده خصم و تو امداد کرده ای

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۷)

شش - افشای جنایت های ظالمان بنی امیّه:

شریف رضی و محتشم در بخشی از شعر خود به بیان جنایت ظالمان بنی امیه می‌پردازند که در برخی ابیات نیز از سردمداران پلید آنها چون ابن زیاد و یزید ملعون با صفات رذیله ای نام می‌برند. آنچنان که محتشم از زبان حضرت زینب خطاب به مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌سراید:

يا بضعة الرسول ز ابن زیاد، داد کو خاک اهلبیت رسالت به باد داد

(همان)

یا در بخش دیگری خطاب به ابن زیاد می‌کند و به زیبایی او را مورد عتاب قرار می‌دهد و در ضمن این عتاب، به مدح اباعبدالله الحسین و ذم یزید ملعون می‌پردازد و با توبیخ به ابن زیاد می‌گوید که دل انسان پستی همچون یزید را با کشتن دردانه ای چون حسین شاد کرده ای :

کام یزید داده ای از کُشتن حسین بنگر که را به قتل که دلشاد کرده ای

(همان)

شریف رضی نیز بنی امیه را امتی طاغی و ستمگر خطاب می‌کند که اجر رسالت پیامبر را به بدترین شکل دادند:

لیس هذا لرسول الله یا أُمَّة الطغیان و الغیّ جزا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

ترجمه مفهومی: ای امت ستمگر! این پاداش رسول خدا نبود.

هفت - روزه خوانی:

روزه و روزه خوانی سیدالشهدا از زمان حضرت آدم بوده است. روایات مختلف و متعددی از روزه خوانی و ذکر مصیبت سیدالشهدا توسط فرشته ی وحی یا خود وجود اقدس باری تعالی برای پیامبرانی همچون حضرات آدم، نوح، ابراهیم و سایر انبیای الهی وجود دارد که برای بیان آن‌ها در این مقاله مجال وجود ندارد. این ذکر مصائب کربلا همواره موجب حزن و اندوه انبیا و ائمه اطهار بوده است و چه قبل از کربلا و چه بعد از کربلا همیشه اهل بیت، روزه خوان سیدالشهدا و اصحابش بوده‌اند. به پیروی از حضرات معصومین این سنت در جوامع اسلامی رواج یافت که تا امروز نیز ادامه دارد و روزبه‌روز بر رونق آن افزوده شده است.

بیشترین جلوه ی روزه خوانی کربلا در اشعار شعرای دینی مذهبی پدیدار شده است که ما در این مقاله به بررسی دو قطره شعر از دریای بیکران و گرانبهای اشعار عاشورایی پرداخته ایم.

در این بخش به ذکر نمونه های مشترک از روزه های کربلا در شعر شریف رضی و محتشم می‌پردازیم:

یک- هفت - بستن آب به روی خیمه های اباعبدالله : شریف رضی این روزه را با تشبیه زیبایی بیان می‌کند:

و می‌گوید امام را با شمشیر بسوی چشمه ی مرگ بردند تا او را سیراب کنند :

لَمْ يَذُوقُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا بِحُدَى السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۴)

محتشم نیز با کنایه از مهمان نوازی کوفیان می‌گوید که حتی کمترین چیز یعنی آب را هم دریغ داشتند :

از آب هم مضایقه کردند کوفیان وش داشتند حرمت مهمان کربلا

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۳)

دو - هفت - غریبی و مظلومیت اباعبدالله: شریف رضی اوج غربت امام حسین را اینچنین بیان می‌دارد:

غسلوه بدم الطعن و ما کفَّوه غیر بوغاء الثری

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول : ۴۶)

غسل و کفن و دفن کردن اموات یک مسئله رایج و کاملاً طبیعی و مرسوم و لازم است. بنی امیه تمام اجساد مردگان خود را دفن کردند اما اجازه ندادند کسی از خاندان پیامبر را کفن و دفن کنند. شریف رضی اشاره دارد که امام با خون نیزه‌ها، غسل و با خاک بیابان کفن شد که این تصویر اوج غربت فرزند رسول خداست.

یکی دیگر از مظلومیت‌های اباعبدالله، بی‌یاوری در لحظات آخر است که شریف رضی چنین بیان می‌دارد:

مُرَهَقاً یَدْعُو و لا غوثَ له بِأَبِ بَرٍّ و جدَّ مصطفی

(همان)

ترجمه مفهومی : به خاک و خون فتاده ای که پدر و جدش را صدا می‌زد اما هیچ کس نبود تا او را یاری نماید.

محتشم کاشانی غربت حضرت را از زبان حضرت زینب خطاب به جدش رسول خدا بیان می‌دارد. او نیز همچون سیدرضی به بی‌یاوری و بی‌غسل و کفن بودن سیدالشهدا اشاره می‌نماید:

این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه خرگاه زین جهان زده بیرون حسین تو

این قالب تپان که چنین مانده بر زمین شاه شهید ناشده مدفون حسین توست

(کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۲۶)

سه - هفت - مصائب حضرت زینب کبری سلام الله علیها: از طرفی انسان می‌ماند که از این شیر زن کربلا چه بنویسد، از طرفی در این مقاله ی چندصفحه ای مجال برای پرداختن به این بانو بسیار اندک است و از طرفی هم احساس می‌شود که اگر در موضوعاتی این چنینی به عقیده ی سادات نپردازیم جفا کرده ایم.

اما آنچه عیان است این که: زینب کبری بانویی است که در اوج مصائب و سختی ها اوج عبودیت و بندگی را درس می‌دهد آنجا که بر بالین نعش برادر خطاب به خداوند عرض می‌کند: الهی تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلِ و درس صلابت می‌آموزد آنجا که در کاخ ستم، علی وار خطبه می‌خواند و کاخ را بر سر یزیدیان خراب می‌کند.

شریف رضی از لحظه ای می‌سراید که حضرت زینب بر بالین بدن پر از خون و بی‌سر برادر آمده و خون از رگ های بریده پاک می‌کند و رضی اشاره دارد که حضرت، این کار را با عجله انجام می‌دهد زیرا دشمن با تازیانه جواب گو شده است:

تمسح الترب علی إعجالها عن طلی نحرٍ رمیل بالدماء

محتشم نیز روضه خوان مصیبت زینب کبری می‌شود آنگاه که چشم زینب بر بدن برادر در قتلگاه می‌افتد:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۶)

و چند بیتی از خطاب زینب کبری به رسول خدا و فاطمه ی زهرا می‌سراید که از آن سخن به میان آمد.

چهار- هفت- مدح اهل بیت در ضمن رثا: یکی از صنایع بدیع که به خوبی در

شعر شریف رضی و محتشم

به چشم می‌خورد، افتنان است. افتنان زمانی است که دو فن و غرض شعری با یکدیگر ممزوج شوند که در این دو شعر نیز به خوبی نمایان است که مدح و رثا باهم درآمیخته شده اند و هر دو شاعر در برخی ابیات در عین اینکه برای اهل بیت مرثیه می‌گویند، به مدح نیز می‌پردازند. شریف رضی در بیتی که مرثیه می‌خواند به نقش هدایتگری و جایگاه اباعبدالله اشاره می‌کند:

يا قَتِيلًا قَوَّضَ الدهر به عَمَد الدين و أعلام الهدى

قتلوه بعد علمٍ منهم أَنه خامس أصحاب الكسا

(رضی، ۱۴۰۶، جلد اول: ۴۵)

این صنعت بدیعی در شعر محتشم جلوه ی زیباتر و واضح تری دارد که در چند جای شعر خود آن را به کار برده است. در جایی به زیبایی وقتی که مرثیه ی سر مبارک حضرت را می‌خواند، در همان بیت عظمت آن را نیز بیان می‌کند:

پس بر سنان کنند سری را که جبرئیل شوید غبار گیسویش از آب سلسبیل

(کاشانی، ۱۳۸۷ : ۳۲۵)

یا در جایی که از مصیبت اسارت اهل بیت می‌سراید در همان حال، به زیبایی آن مخدّرات را مدح می‌کند:

بررسی تطبیقی واقعه کربلا در الفیه شریف رضی و محتشم کاشانی ۵۱

جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل گشتند بی عماری و محمل شترسوار

(همان)

و در جای دیگر باز از زبان حضرت زینب به مادرش زهرا می‌سراید:

آن سر که بود بر سر دوش نبی مدام یک نیزه اش ز دوش مخالف جدا ببین

(همان)

که در عین اینکه روضه‌ی بالارفتن سر مبارک بر نیزه را می‌خواند به جایگاه

اباعبدالله نزد رسول خدا اشاره دارد.

نتیجه‌گیری:

بر اساس بررسی‌هایی که از دو شعر شریف رضی و محتشم کاشانی درباره حادثه عظیم کربلا انجام گرفت می‌توان به نتایج ذیل رسید و آن‌ها را مورد توجه قرارداد:

در هر دو شعر به بیان مصائب دردناک ابا عبدالله و اهل‌بیت ایشان پرداخته‌شده است و هر دو شاعر بسیاری از جنبه‌ها در بُعد روضه‌ی کربلا را مطرح کرده‌اند و همین یکی از دلایل ماندگاری این دو شعر در مجالس عزاداری شده است.

هر دو شاعر در برخی از ابیات به بیان ظلم و ستم‌هایی که دشمنان بر اهل‌بیت روا داشته‌اند قلم زده‌اند اما به نظر می‌رسد در این زمینه محتشم با صراحت بیشتری سخن به میان آورده است و حتی به ذکر نام جنایتکاران کربلا یعنی یزید و ابن زیاد لعنة الله علیهما پرداخته است.

تشابه و تفاوت دیگری که در مرثی‌ی دو شاعر پیداست در حوزه مضامین و قالب هاست. با وجود تشابه بسیاری که در مضامین وجود دارد اما باید گفت محتشم بسیار بیشتر از رضی به مقام و منزلت امام حسین توجه دارد.

نکته دیگری که در شعر رضی و محتشم مشترک است این است که این دو شاعر بصورت عمقی و ریشه‌ای به بیان واقعه کربلا نپرداخته‌اند و به‌جز بعضی ابیات در سایر موارد بصورت سطحی به صحنه‌های ظاهری این واقعه‌ی بزرگ تاریخ نگاه کرده‌اند.

منابع و مأخذ:

۱. استادی، رضا، چاپ اول ۱۳۸۳، من أعلام الشیعه، قم، قدس
۲. بهداروند، اکبر، چاپ دوم، دیوان محتشم کاشانی، موسسه انتشارات نگاه
۳. ترکی، محمدرضا، ۱۳۸۴، دوباره کاری و شتاب زدگی، فرهنگستان، شماره ۲۷
۴. دوانی، علی، چاپ دوم، سیدرضی مولف نهج البلاغه
۵. دیوان الشریف الرضی، الجزء الاول، ۷۱۲ ق، منشورات موسسه الأعلى للمطبوعات، بیروت،
۶. رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۶۵، شاهکارهای ادبیات فارسی (چندمرثیه از شاعران فارسی)، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر
۷. رضی، شریف، ۱۴۰۶ ق، دیوان اشعار، تهران، وزارت ارشاد اسلامی
۸. شبر، جواد، ۱۴۰۹ ه ق، الأدب الطف و شعراءالحسین، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه البلاغ
۹. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۱، شاهدبازی در ادبیات فارسی، تهران، فردوس
۱۰. صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوس
۱۱. الفاخوری، حنا، ۱۳۸۹، تاریخ ادبیات عربی، آیتی، عبدالمحمد، چاپ نهم، چاپ حیدری
۱۲. کاشانی، محتشم، ۱۳۸۷، دیوان اشعار محتشم، مهرگرگانی، چاپ پنجم، تهران سنایی
۱۳. مبارک، زکی، عبقریه الشریف الرضی، الجز الاول، بیروت، المكتبة العصرية للطباعة و النشر
۱۴. ندا، طه، ۱۳۸۳، ادبیات تطبیقی، منظم، هادی نظری، چاپ اول، تهران، نشر نی

